



تحلیل تطبیقی زمینه‌های بیعت مردم با امام علی (ع) در نهج البلاغه و تاریخ طبری

اعظم حسین پور^۱؛ سمانه عزیزی علویچه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

چکیده

پس از قتل عثمان بن عفان، بیعت مردم با امام علی (ع) به عنوان کلیدی‌ترین عامل انتقال قدرت و آغاز دوره‌ای جدید در تاریخ اسلام شناخته می‌شود. این بیعت نه تنها به تغییر رهبری اسلامی منجر شد، بلکه موجب بروز فتنه‌ها و تنش‌های اجتماعی میان مسلمانان گردید. دو منبع معتبر در این زمینه، *تاریخ طبری* و *نهج البلاغه* هستند که به تحلیل ابعاد مختلف این واقعه پرداخته‌اند. *تاریخ طبری* به عنوان یک منبع اساسی در تاریخ‌نگاری اسلامی، تأثیر عمیقی بر روایت‌های تاریخی و پژوهش‌های آتی در این حوزه داشته است. این تحقیق به بررسی تشابهات و تفاوت‌های این دو متن در زمینه بیعت با امام علی (ع) می‌پردازد. هر دو منبع بر اهمیت بیعت و تأثیر فشارهای اجتماعی و سیاسی در زمان بیعت تأکید دارند. همچنین، نصیحت‌ها و حمایت‌های امام علی (ع) از عثمان و تأثیر آن بر مشروعیت بیعت در هر دو متن مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، *تاریخ طبری* به تفصیل به جزئیات وقایع و زمینه‌های اجتماعی بیعت پرداخته و اختلاف‌نظرها را تحلیل می‌کند. عبدالله بن سبا به عنوان شخصیتی بحث‌برانگیز در تحریک مردم برای بیعت و عامل بروز تنش‌ها و اختلافات داخلی معرفی شده و نقش مصریان در شکل‌گیری شورش‌ها نیز به وضوح در *تاریخ طبری* برجسته شده است، در حالی که وقایع در *نهج البلاغه* به شیوه‌ای متفاوت تحلیل شده است.

کلیدواژگان: امام علی (ع)، قتل عثمان، تاریخ طبری، *نهج البلاغه*، بیعت، فتنه، عبدالله بن سبا

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان تهران (نویسنده مسئول)؛ a.hoseinpour@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی تهران؛ samazizi24@gmail.com



۱. مقدمه

تحولات سیاسی و اجتماعی در تاریخ اسلام، به ویژه در دوره‌های حساس، همواره مورد توجه پژوهشگران و تاریخ‌نگاران بوده است. بیعت مردم با علی (ع) پس از قتل عثمان بن عفان، یکی از مسائل کلیدی در تاریخ‌نگاری اسلامی است که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران داشته است. این بیعت به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ اسلام، نه تنها نشان‌دهنده تغییرات در رهبری اسلامی، بلکه نمادی از تنش‌های اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه آن زمان به شمار می‌رود.

بیعت با علی (ع) در این مقطع، به عنوان یک واکنش اجتماعی به ناکارآمدی‌های حکومت عثمان و فشارهای سیاسی و اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این راستا، منابع تاریخی مختلفی به تحلیل و تبیین این رویداد پرداخته‌اند. تاریخ‌نویسانی چون منقری، ابن سعد، ابن قتیبه، دینوری و ابواسحاق ثقفی، هر یک به نوعی به تحلیل بیعت با علی (ع) پرداخته‌اند. از جمله مهم‌ترین این منابع، کتاب *تاریخ طبری* و *نهج البلاغه* است. *تاریخ طبری*، با رویکردی تاریخی و تحلیلی، به بررسی جزئیات این بیعت و زمینه‌های اجتماعی آن پرداخته و سعی دارد تا اختلاف‌نظرهای موجود در تاریخ را جمع‌بندی نماید. در مقابل، *نهج البلاغه* به عنوان منبعی که به بیان اندیشه‌ها و مواضع امام علی (ع) می‌پردازد، ابعاد سیاسی و فلسفی این بیعت را روشن می‌سازد.

مسأله اصلی این تحقیق، بررسی و تحلیل تطبیقی بیعت مردم با امام علی (ع) در *تاریخ طبری* و *نهج البلاغه* است. این بررسی شامل چندین سؤال کلیدی شده که عبارتند از: چگونه روایات *تاریخ طبری* درباره بیعت مردم با حضرت علی (ع) اعتبارسنجی می‌شود؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در دیدگاه‌های این دو منبع وجود دارد؟ و تحلیل وقایع چه نتایج قابل توجهی را از هر دو منبع به دست می‌دهد؟

پژوهش‌های پیشین در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی به بررسی بیعت با امام علی (ع) و تحلیل منابع تاریخی پرداخته‌اند؛ از جمله مقالات مهم در این زمینه، می‌توان به مقاله «چگونگی بیعت مردم با امام علی (ع)» (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۵) اشاره کرد که به مقایسه روایات مختلف پرداخته و دیدگاه‌های جدیدی را ارائه داده است.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که درک عمیق‌تر تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران، نیازمند تحلیل جامع و مقایسه‌ای میان منابع معتبر است. به همین دلیل، این تحقیق با هدف پر کردن خلأ موجود در ادبیات پژوهشی و ارائه تحلیلی دقیق از بیعت مردم با امام علی (ع) در *تاریخ*



طبری و نهج البلاغه انجام می‌شود و می‌تواند به درک بهتری از عوامل مؤثر بر بیعت و پیامدهای آن کمک کند و ضمن ارائه یک نمای کلی از حوادث تاریخی، مبنای مناسبی برای مطالعات آتی در زمینه تاریخ‌نگاری اسلامی و سیر تحول فکر سیاسی در آن دوران باشد. با توجه به پیچیدگی‌های اجتماعی و سیاسی آن مقطع تاریخی، تحلیل تطبیقی منابع می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد این رویداد کمک کند.

۱. بیعت با علی (ع) در تاریخ‌نگاری اسلامی: تأثیرات و تغییرات پیش و پس از طبری

تحلیل بیعت مردم با حضرت علی (ع) و پذیرش خلافت از سوی ایشان موضوعی است که در متون تاریخی مختلف به‌طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته است. این بیعت نه تنها به‌عنوان یک رویداد تاریخی مهم، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از تحولات اجتماعی و سیاسی در تاریخ اسلام تلقی می‌شود.

۱-۱. تاریخ‌نگاری پیش از طبری

تاریخ‌نویسان پیش از طبری در تحلیل بیعت با علی (ع) دیدگاه‌های متفاوتی دارند که به‌طور کلی بر فشار اجتماعی و اصرار مردم تأکید دارند. منقری (۲۱۲ هـ) بیان می‌کند که علی (ع) به دلیل فشار اجتماعی و ضرورت جلوگیری از تفرقه در جامعه اسلامی، خلافت را پذیرفت و به نقض بیعت توسط طلحه و زبیر اشاره می‌کند که نشان‌دهنده عدم ثبات در حمایت از علی (ع) است (منقری، ۱۳۶۴: ۱۱۹). ابن سعد (۲۳۰ هـ) معتقد است که مردم مدینه با رضایت و بدون فشار به علی (ع) بیعت کردند و تصویری از توافق عمومی را ارائه می‌دهد (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ: ۳۱ و ۳۲). ابن قتیبه (۲۷۶ هـ) به مراجعه مردم پس از کشته شدن عثمان به علی (ع) اشاره دارد و بر نارضایتی عمومی آنان تأکید می‌کند (ابن قتیبه، ۱۳۸۸ هـ: ۱/۴۶-۴۷). دینوری (۲۸۲ هـ) نیز به نقش شورشیان و تنش‌های سیاسی اشاره می‌کند و بیعت همگانی را در شرایط بحرانی ضروری می‌داند (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۷۶).

۲-۱. تاریخ‌نگاری پس از طبری

پس از طبری، دو دیدگاه عمده درباره نحوه به حکومت رسیدن امام علی (ع) وجود دارد:

الف) اجماع مردم بر شایستگی امام علی (ع)

این گروه بر اصرار و خواست مردم برای بیعت با علی (ع) تأکید دارند. ابن اعثم (۳۱۴ هـ) بیان می‌کند که مهاجر و انصار پس از قتل عثمان در مسجد جمع شدند و با علی (ع) بیعت کردند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۸۹-۳۹۲). ابن عبد ربه (۳۲۸ هـ) نیز بر خواست شدید مردم برای



بیعت با علی علیه السلام تأکید دارد (ابن عبد ربه، ۱۹۵۳: ۳۱۸). مقدسی (۳۵۵ هـ.ق) اشاره می‌کند که مردم به علی علیه السلام به‌عنوان خلیفه آینده نظر داشتند و پس از کشته شدن عثمان، جز گروهی از شام و معاویه با علی علیه السلام بیعت کردند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۸۷۴-۸۷۵). ابن طباطبا (۷۰۹ هـ.ق) به اصرار مردم بر بیعت با علی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌گوید علی علیه السلام در ابتدا تمایلی به پذیرش خلافت نداشت، اما تحت فشار مردم این مسئولیت را پذیرفت (ابن طباطبا، ۱۳۶۷: ۱۱۵).

ب) فشار شورشیان و شرایط بحرانی

این گروه به وجود مخالفت‌ها و فشارهای سیاسی در زمان بیعت با علی علیه السلام اشاره می‌کنند. مسعودی (ف. ۳۴۵ هـ.ق) به‌طور مختصر اشاره می‌کند که در روز قتل عثمان، برخی از انصار و صحابه از بیعت خودداری کردند و بر تنش‌ها تأکید دارد (مسعودی، ۱۳۷۶: ۲۷۹). ابن عساکر (۵۱۷ هـ.ق) به تمرّد برخی از انصار و نقش آنها در قتل عثمان اشاره می‌کند (ابن عساکر، ۱۴۰۰: ۱۲۳/۳-۱۲۴). ابن اثیر (۶۳۰ هـ.ق) بر خودداری برخی صحابه از بیعت با علی علیه السلام تأکید دارد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۹۰/۳-۱۹۴). ابن خلدون (۸۰۸ هـ.ق) به اشکالاتی در بیعت اشاره کرده و می‌گوید که برخی از صحابه بزرگ در زمان قتل عثمان در شهر نبودند (ابن خلدون، بی‌تا: ۱/ ۴۱۰-۴۱۱؛ رک: کریمی، ۱۳۸۵: ۳۱-۵۰).

نتیجه: آنکه بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام پس از کشته شدن عثمان، به‌عنوان یک رویداد تاریخی مهم، تحت تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی قرار داشت. در دوره پیش از طبری، تاریخ‌نویسان بر اجماع عمومی و نارضایتی از وضعیت موجود تأکید دارند که به بیعت با علی علیه السلام به‌عنوان یک ضرورت برای حفظ وحدت اسلامی منجر شد. پس از طبری، با دو دیدگاه اصلی مواجه می‌شویم: یکی بر فشارهای سیاسی و اجتماعی و چالش‌های داخلی تأکید دارد و دیگری بر اجماع عمومی و شخصیت محبوب علی علیه السلام به‌عنوان گزینه‌ای طبیعی و مطلوب برای رهبری.

به نظر می‌رسد تاریخ‌نویسان پس از طبری تحت تأثیر آثار او و روش‌های تاریخ‌نگاری‌اش قرار گرفتند. آنها به تنوع منابع، روش‌شناسی تحلیلی، تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی، توجه به شخصیت‌ها و ایجاد مبنای تاریخی توجه کرده‌اند. در نهایت، بیعت با علی علیه السلام نه تنها نتیجه خواست عمومی، بلکه پاسخ به شرایط بحرانی و نیاز به رهبری مؤثر در جامعه اسلامی بود. این رویداد، تأثیرات عمیقی بر تاریخ اسلام و تحولات سیاسی آن زمان داشت و کتاب طبری به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ‌نگاری اسلامی، مبنایی برای تحلیل‌های آینده ایجاد کرد.



۲. بیعت مردم با حضرت علی (ع) در تاریخ طبری و نهج البلاغه

بیعت مردم با حضرت علی (ع) پس از نارضایتی عمومی از حکومت عثمان، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است. طبری در کتاب خود به جزئیات این رویداد و اختلاف‌نظرهای تاریخی پرداخته و سعی در جمع‌بندی آنها دارد. در مقابل، نهج البلاغه به بیان مواضع و دیدگاه‌های علی (ع) در این مقطع حساس می‌پردازد. در ادامه، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این دو منبع، تحلیل نتایج قابل توجه از این وقایع و اعتبارسنجی روایات آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱ تحلیل بیعت مردم با حضرت علی (ع) از دیدگاه تاریخ طبری

یکی از موضوعات کلیدی در تاریخ طبری، بیعت مردم با حضرت علی (ع) پس از قتل عثمان بن عفان است. طبری در این اثر با استناد به روایات معتبر، به تفصیل به این واقعه پرداخته و عوامل بیعت، شرایط اجتماعی آن زمان و نقش شخصیت‌های مختلف را بررسی کرده است. روایات طبری شامل اطلاعات متنوعی از شخصیت‌هایی چون محمد بن حنیفه، ابو بشر عابدی، شعبی، ابو عثمان، زهری و عبدالله بن عثمان است که به تحلیل وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی می‌پردازند. علاوه بر تصویرسازی فضای بیعت، تنوع این روایات نشان‌دهنده تعارضات و اختلاف‌نظرهای متعدد در این زمینه است. این تعارضات می‌تواند نمایانگر پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی آن عصر باشد و به درک بهتر وقایع تاریخی کمک کند.

الف) درخواست عمومی مردم از حضرت علی (ع) برای بیعت

بر اساس نقل طبری، به عنوان نتیجه‌گیری وی پس از ذکر موارد متعدد در کتاب تاریخ طبری نقل شده است: محمد بن حنیفه و ابو بشر عابدی بر این باورند که دلیل اصلی مراجعه مردم به حضرت (ع)، خویشاوندی ایشان با پیامبر (ص) بود. علی (ع) که در ابتدا وزارت را نپذیرفت، در مسجد بیعت عمومی را به صورت علنی انجام داد. او پس از درخواست و اصرار مردم، از جمله طلحه و زبیر، خلافت را با شروطی پذیرفت؛ از جمله اینکه بدون نظر مردم اقدام نکند و بر بیت‌المال کنترل داشته باشد (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۲۷-۴۲۸).

در نقل ابوالملیح آمده است که علی (ع) پس از قتل عثمان به باغی در بنی عمرو بن جندل رفت تا در مورد خلافت تأمل کند. مردم به او مراجعه کردند و نخبگانی چون طلحه و زبیر از او حمایت کردند. در جریان بیعت، علی (ع) در مسجد بر منبر رفت و با مردم سخن گفت که این اقدام نشان‌دهنده مشروعیت بیعت و آمادگی او برای رهبری بود (همان، ۴/۴۲۸).

در نهایت، علی (ع) با حمایت و فشار اجتماعی گسترده‌ای از سوی مردم و نخبگان به عنوان خلیفه انتخاب شد و این بیعت عمومی، مشروعیتی قوی برای خلافت او فراهم کرد.



ب) اجبار شورشیان بر بیعت مردم با حضرت علی (ع)

در این دیدگاه، قبول خلافت علی (ع) نه تنها ناشی از فشار اجتماعی و شورشیان، بلکه به دلیل تمایل عمومی و نیاز به رهبری قوی برای جلوگیری از هرج و مرج است. روایت‌های مختلف دلایل بیعت با علی (ع) را شامل ترس از شورش، عدم برنامه‌ریزی شورشیان و شرط اجرای حدود می‌دانند. انتقال قدرت به علی (ع) نشان‌دهنده پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی آن دوره است. بر اساس روایت شعبی، علی (ع) در ابتدا خواستار تعیین خلیفه از طریق شورا بود، اما گروهی به سرپرستی اشتر به دلیل نگرانی از هرج و مرج، او را به پذیرش خلافت مجبور کردند (همان، ۴/۴۳۳). ابو عثمان نیز تأکید می‌کند که نقش شورشیان مصر، عامل اصلی انتخاب علی (ع) به عنوان خلیفه بود. شورشیان نه تنها برنامه‌ای نداشتند، بلکه خود را شایسته خلافت نمی‌دانستند و در ابتدا به علی (ع) گرایش داشتند، اما پس از مدتی به سمت طلحه و زبیر تغییر جهت دادند (همان، ۴/۴۳۳ و ۴۳۴). روایات زهری نشان می‌دهد که طلحه و زبیر به دلیل ترس از جان خود با نارضایتی بیعت کردند و پیشنهاد علی (ع) را به عنوان تاکتیکی برای مهار خود تلقی کردند. این وضعیت بیانگر عدم اطمینان و احساس ناامنی در بین نخبگان آن زمان است. همچنین علی (ع) درخواست‌های طلحه و زبیر درباره واگذاری امارت کوفه و بصره را رد کرد که نشان‌دهنده قاطعیت او در مدیریت امور بود (همان، ۴/۴۲۹-۴۳۰). دیدگاه عبدالله بن حسن نیز حائز اهمیت است. او اشاره می‌کند که بسیاری از رؤسای انصار، از جمله زید بن ثابت و کعب بن مالک، از بیعت با علی (ع) خودداری کردند، زیرا احساس می‌کردند در دوره او امتیازات عثمانی را نخواهند داشت (همان، ۴/۴۳۲).

در نهایت، روایت طبری که احتمالاً از باب نتیجه بیان می‌کند، به این نکته اشاره دارد که طلحه و زبیر و برخی صحابه تنها با شرط اجرای حدود (قصاص قاتلان عثمان) با علی (ع) بیعت کردند.

ج) بررسی رجالی اقوال تاریخ طبری

در تاریخ طبری، دیدگاه محمد بن حنیفه، ابو بشر عابدی و ابوالملیح بر اصرار مردم در بیعت با امام علی (ع) تأکید دارد. در مقابل، شعبی، ابو عثمان و زهری قبول خلافت علی (ع) را ناشی از فشار اجتماعی و شورشیان می‌دانند. همچنین، گزارش عبدالله بن حسن و طبری درباره عدم بیعت برخی از صحابه و شرط بیعت طلحه و زبیر وجود دارد. در ذیل به معرفی مختصر این افراد می‌پردازیم:

- محمد بن حنفیه: نخستین فرزند امام علی (ع) و شاهد ماجرای بیعت، که در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان همراه پدرش جنگید (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ۵/۶۸-۶۹).

- ابو بشر عابدی: شاهد ماجرای قتل خلیفه سوم و بیعت مردم با علی (ع)، اما اطلاعات خاصی درباره او در کتب رجالی وجود ندارد (ابن جوزی، ۱۳۷۶: ۶۱).

- ابوالملیح: از صحابه بصری یا تابعین که حدود ۲۵ حدیث از رسول خدا (ص) نقل کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ۷/۱۶۴؛ ابن حزم، بی تا: ۱۱۲، ابن حزم، بی تا: ۱۱۲؛ ابن جوزی، ۱۳۷۶: ۳۶۷).

- شعبی: شخصیت برجسته اهل کوفه (بغدادی، ۱۴۰۶ ق: ۶/۲۴۷) که رفتارهای ناپسند او مورد انتقاد قرار گرفته و به شدت شیعه را نکوهیده و رفتارهای ناپسند او مانند شراب‌خواری و قماربازی مورد انتقاد قرار گرفته است. ابوحنیفه به دلیل این رفتارها با او قطع رابطه کرد (تستری، ۱۳۶۱: ۵/۶۱۲). برخی از رجالیون او را خبیث و دروغگو دانسته و دشمنی‌اش با علی (ع) را آشکار کرده‌اند (خوئی، ۱۴۱۳ ق: ۱۰/۲۱۰). همچنین او به عنوان راوی خبر آشتی میان حضرت زهرا (ع) و خلیفه اول شناخته می‌شود که به جنجال‌های تاریخی دامن زده است.

- زهری: فقیه و محدث برجسته قرن دوم هجری، به عنوان یکی از تابعان و معاصر امام زین العابدین (ع) شناخته می‌شود (تمیمی سمعانی، بی تا: ۶/۳۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ۵/۳۴۸؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ ق: ۹/۳۴۰؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸ ق: ۱/۵۲۴). اما منابع نشان می‌دهند که او از خط ولایت امیرالمؤمنین (ع) منحرف بوده و بیشتر عمر خود را به عنوان کارگزار بنی‌امیه سپری کرده و آثارش پس از مرگش در ۱۲۴ هـ ق در خزانه اموی‌ها باقی مانده است (ابن خلدون، بی تا: ۱/۴۱-۴۳). در واقع نقش افراد مختلف در این واقعه و دیدگاه‌های متفاوت آنان، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های تاریخی و اجتماعی آن دوران است و تحلیل اعتباری دیدگاه‌های ناقلان به روشن شدن مسائل مطرح شده در تاریخ طبری کمک می‌کند.

د) تحلیل اعتباری روایات بیعت مردم با حضرت علی (ع) در تاریخ طبری

در بررسی بیعت مردم با حضرت علی (ع) در این کتاب، از منظر استناد به سخنان ناقلان و اعتبار نقل‌ها، می‌توان به چند نکته کلیدی اشاره کرد که به درک بهتر این واقعه کمک می‌کند:

- تحلیل ایجابی: اصرار و حمایت‌های مردمی

در تحلیل ایجابی می‌توان به نقش شخصیت‌هایی چون محمد بن حنفیه، ابو بشیر عابدی و ابوالملیح اشاره کرد. این افراد به عنوان شاهدان عینی، بر اراده و حمایت مردم از علی (ع) تأکید دارند. محمد بن حنفیه، به عنوان فرزند امام علی (ع)، می‌تواند به‌خوبی فضای اجتماعی و سیاسی آن زمان را توصیف کند و نشان دهد که چگونه مردم با اصرار بر بیعت، حمایت خود را از علی (ع) ابراز کردند.



همچنین نقل‌های ابو بشیر عابدی و ابوالملیح به عنوان شاهدان نزدیک، نمایانگر تمایل عمومی به رهبری علی علیه السلام است و نشان می‌دهد که بیعت، نتیجه‌ای از خواست واقعی مردم بود.

- تحلیل انتقادی: چالش‌ها و موانع اجتماعی-سیاسی

در تحلیل انتقادی در خصوص این بیعت، باید به چالش‌ها و موانع اجتماعی و سیاسی که بر آن تأثیر گذاشتند، توجه کرد. شخصیت‌هایی چون شعبی و زهري به نقد شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان پرداخته‌اند. شعبی، به دلیل دشمنی‌اش با علی علیه السلام، ممکن است در روایت‌هایش جانب‌داری کرده باشد و این می‌تواند بر اعتبار نقل‌های او تأثیر بگذارد. همچنین ابوعثمان به عنوان یک شخصیت تأثیرگذار، نظرات انتقادی نسبت به بیعت علی علیه السلام ارائه می‌دهد. او به دلیل ارتباطاتش با گروه‌های مخالف علی علیه السلام، می‌تواند به چالش‌های اجتماعی و سیاسی اشاره کرده و نشان می‌دهد که چگونه برخی افراد به دلایل مختلف از بیعت با علی علیه السلام دوری کردند. تحلیل نظرات ابوعثمان می‌تواند به ما نشان دهد که بیعت علی علیه السلام نه تنها با حمایت، بلکه با چالش‌های جدی نیز مواجه بوده است.

۲-۲. شباهت‌های تاریخ طبری و نهج البلاغه در خصوص بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام

بیعت با حضرت علی علیه السلام به عنوان یکی از رویدادهای کلیدی تاریخ اسلام، نمادی از حمایت و وفاداری مردم به رهبری ایشان محسوب می‌شود. تاریخ طبری و نهج البلاغه، به عنوان دو منبع معتبر در ثبت وقایع تاریخی و اندیشه‌های اسلامی، به بررسی این بیعت پرداخته‌اند. مطالعه تطبیقی این دو اثر، امکان شناسایی شباهت‌های موجود در روایت‌های آنها را فراهم می‌آورد. بررسی این شباهت‌ها می‌تواند به درک بهتر تأثیرات مثبت این بیعت بر تاریخ اسلام و وحدت مسلمانان کمک کند و نشان دهد که چگونه این رویداد در هر دو منبع به صورت مشابهی بازتاب یافته است.

الف) نصیحت کردن عثمان و تأثیر آن در حجیت بیعت

در تحلیل جریان‌ات پیش از بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام، طبری به نقل از واقدی به وضعیت بحرانی عثمان اشاره می‌کند و می‌نویسد که تنها چند نفر از او دفاع کردند، از جمله زید بن ثابت و حسان بن ثابت، که نشان‌دهنده انزوا و ضعف او در میان مردم است (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۳۳۷-۳۳۹).

در کلام ۱۶۴ نهج البلاغه، امام علی علیه السلام به مراجعات مردم درباره عثمان اشاره کرده و به عنوان ناصح دلسوز، او را از خطرات احتمالی آگاه ساخته است. امام علیه السلام با تأکید بر آگاهی عثمان از احکام اسلام، تلاش می‌کند او را از انحرافات نجات دهد (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴). علی علیه السلام ویژگی‌های پیشوایان عادل و ظالم را بررسی کرده و به عثمان هشدار می‌دهد که مبدا تحت تأثیر



اطرافیان، به ویژه مروان، قرار گیرد. این نصایح نشان‌دهنده مسئولیت رهبری و اهمیت مشورت‌های دلسوزانه است. اگرچه عثمان در پاسخ به این نصایح، ابراز تمایل به تبعیت از علی (ع) نمود، اما این تغییر در عمل تحقق نیافت و نصایح امام (ع) بی‌اثر ماند و در واقع، حوادث تلخ و خشونت‌بار بعدی نتیجه عدم توجه به این نصایح بود. نصیحت‌های حضرت علی (ع) تأثیرات عمیقی بر حجیت بیعت مردم با ایشان داشت که نیازمند بررسی از زوایای مختلف است:

- نقش نصیحت در مشروعیت رهبری

نصیحت‌های حضرت علی (ع) به عثمان، به‌عنوان یک مشاور دلسوز و آگاه، نشان‌دهنده اهمیت مشورت در رهبری است. عدم پذیرش این نصایح توسط عثمان، مشروعیت او را در نظر مردم تضعیف کرد. به‌طور خاص، وقتی امام علی (ع) در کلام ۱۶۴ نهج البلاغه خطاب به عثمان می‌گوید: «مردم از پی منند و درباره تو سخن می‌گویند»، این جمله به وضوح نشان‌دهنده نارضایتی عمومی و ضرورت توجه به خواسته‌های مردم است.

- عدم توجه به نارضایتی‌های عمومی

نصیحت‌های امام (ع) به عثمان، نمایانگر آگاهی ایشان از وضعیت بحرانی جامعه بود. وقتی این نصایح نادیده گرفته شد، نارضایتی عمومی افزایش یافت و مردم به تدریج به این نتیجه رسیدند که تنها گزینه باقی‌مانده برای نجات، بیعت با حضرت علی (ع) است؛ به‌عنوان مثال، در تاریخ طبری آمده است که مردم به علی (ع) مراجعه کردند و خواستار رهبری او شدند، زیرا به وضوح از ناکامی عثمان آگاه بودند (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۲۸ و ۴۲۹).

- تأکید بر ویژگی‌های رهبری عادل

امام علی (ع) در نصایح خود، به ویژگی‌های رهبری عادل و لزوم پرهیز از اطرافیان نادرست اشاره می‌کند. این تأکید بر عدالت و شایستگی، به مردم یادآوری می‌کند که بیعت با شخصی که این ویژگی‌ها را دارد، ضروری است. امام (ع) در نهج البلاغه به ویژگی‌های پیشوایان عادل و ظالم اشاره کرده و این موضوع به تقویت حجیت بیعت مردم با خود ایشان کمک می‌کند (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱).

- تأثیر بر احساس مسئولیت مردم

نصیحت‌های حضرت علی (ع) به عثمان، به نوعی احساس مسئولیت را در مردم تقویت کرد. مردم با مشاهده نادیده گرفتن نصایح دلسوزانه، به این نتیجه رسیدند که باید خود اقدام کنند و رهبری را انتخاب کنند که به نصایح و خواسته‌های آنان توجه داشته باشد. این امر به بیعت با حضرت علی (ع) به‌عنوان یک انتخاب آگاهانه و مسئولانه منجر شد.



ب) حمایت‌های علی (ع) از عثمان در تاریخ طبری و نهج البلاغه

دفاع‌های حضرت عثمان (ع) از عثمان در دوران خلافت او، به‌ویژه در شرایط بحرانی و زمان محاصره، تأثیرات عمیقی بر حجیت بیعت مردم با ایشان داشت. این موضوع را می‌توان با استفاده از متن نهج البلاغه و تاریخ طبری بررسی و تحلیل کرد:

- نقش دفاع‌های علی (ع) از عثمان بر مشروعیت رهبری و بیعت ایشان

حضرت عثمان (ع) در کلام ۲۴۰ نهج البلاغه به ابن عباس می‌فرماید: «عثمان مرا مانند شتر آبکش خیال کرده که برای مطامع او بروم و بیایم؛ بروم تا شاید او را رها کنند». این جمله نشان‌دهنده آن است که علی (ع) به‌عنوان یک مشاور دلسوز، در تلاش بود تا به عثمان کمک کند، اما خود را ابزار منافع او نمی‌دانست. این نکته به‌ویژه در شرایط بحرانی اهمیت دارد؛ چراکه علی (ع) با دفاع از عثمان، تلاش می‌کرد تا مشروعیت رهبری او را حفظ کند و از بروز تفرقه و ناامنی در جامعه جلوگیری کند.

در تاریخ طبری نیز عثمان به علی (ع) مراجعه کرده و از او خواسته تا مردم را آرام کند و قول دهد که به خواسته‌هایشان عمل می‌کند (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۳۵۸ و ۳۵۹). این نشان‌دهنده آن است که عثمان به‌دنبال مشروعیت خود بوده و به کمک علی (ع) نیاز داشته است. در واقع، دفاع علی (ع) از عثمان، به‌نوعی تأکید بر اهمیت بیعت و مشروعیت رهبری در جامعه اسلامی بوده است.

- نارضایتی عمومی از خلیفه و بیعت مردم با حضرت علی (ع)

دفاع‌های حضرت علی (ع) از عثمان نشان‌دهنده نارضایتی عمومی از خلیفه سوم است. عثمان به علی (ع) می‌گوید که از نارضایتی مردم آگاه است و به او نیاز دارد تا اوضاع را آرام کند (همان، ۴/۳۵۸). این وضعیت به‌طور مستقیم بر بیعت مردم با علی (ع) تأثیر گذاشت. وقتی مردم دیدند که علی (ع) در دفاع از عثمان تلاش می‌کند، این امر ممکن است به احساس مسئولیت و تعهد بیشتری در قبال رهبری عثمان منجر شده باشد. علی (ع) در خطبه ۲۴۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «به خدا سوگند، آنقدر از او دفاع کردم که ترسیدم گناهکار باشم». این عبارت نشان‌دهنده تلاش‌های امام (ع) برای دفاع از عثمان است. با این حال، نارضایتی عمومی از عملکرد عثمان افزایش یافت، زیرا وعده‌های او به مردم عملی نشد. علی (ع) به عثمان هشدار داد که از اطرافیان نادرست خود فاصله بگیرد و به خواسته‌های مردم توجه کند. عثمان نیز در پاسخ گفت: «قسم به خدای عزوجل تعهد می‌کنم که از آنچه خوش ندارند، بازمانم». این عبارت در واقع، ضرورت توجه به خواسته‌های مردم و اهمیت رهبری عادل را نشان می‌دهد (همان).



- احساس مسئولیت و تعهد در مردم

دفاع‌های حضرت علی (ع) از عثمان، احساس مسئولیت را در مردم تقویت می‌کرد. در تاریخ طبری وقتی مردم به عثمان نامه می‌نویسند و وی را به توبه دعوت می‌کنند، این نشان‌دهنده آن است که رهبر باید به خواسته‌های مردم و حق‌الناس توجه کند. این امر به بیعت با حضرت علی (ع) به‌عنوان یک انتخاب آگاهانه و مسئولانه منجر شد. در واقع، مردم ممکن است با توجه به تلاش‌های علی (ع) برای اصلاح اوضاع، به این نتیجه رسیده باشند که بیعت با او به‌عنوان جانشین عثمان، گزینه‌ای منطقی و معقول است.

دفاع‌های حضرت علی (ع) از عثمان در نهج البلاغه و تاریخ طبری نمایانگر رویکردی است که بر اساس حفظ وحدت و انسجام اجتماعی بنا شده است. این دفاع‌ها موجب شد مردم ویژگی‌های یک رهبر عاقل و مدبر و مردمدار را بشناسند.

۱. منابع و مستندات نقد حضرت علی (ع) از عثمان

امام علی (ع) در نهج البلاغه به‌روشنی از نهاد خلافت و اصول اسلامی دفاع می‌کند و انتقاداتش نسبت به عثمان بن عفان، نشان‌دهنده تعهد او به عدالت و اصول اسلامی است. در ذیل به بررسی انتقادات امام (ع) بر اساس مستندات تاریخی می‌پردازیم:

- نقد رفتار عثمان و فساد نظام حاکم: امام (ع) در خطبه ۱۳۰ نهج البلاغه به تبعید ابی‌ذر به ریزه اشاره کرده و می‌گوید: «ای ابوذر، تو برای خدا خشمگین شدی، پس امید به کسی بند که برای او خشمگین شده‌ای». این عبارت نشان‌دهنده حمایت امام از ابی‌ذر و انتقاد از نظام حاکم است. امام (ع) به‌صراحت بیان می‌کند که مردم به دلیل ترس از دنیا، ابوذر را مورد آزار قرار دادند و این امر فساد حکومت عثمان را نمایان می‌سازد.

- استبداد و خودمحموری عثمان: امام (ع) در خطبه ۳۰ نهج البلاغه به رفتار استبدادی عثمان اشاره کرده و می‌فرماید: «عثمان راه استبداد و استیثار و مقدم داشتن خود و خویشاوندان خویش را بر افراد امت پیش گرفت». این انتقاد به وضوح نشان‌دهنده نارضایتی امام (ع) از تمرکز قدرت در دستان عثمان و خویشاوندانش است.

- نفوذ خویشاوندان فاسد و ضعف اراده عثمان در مقابل ویژه‌خواری آنها: امام (ع) در خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه به ضعف اراده عثمان و نفوذ مروان بن حکم انتقاد نموده و می‌فرماید: «تو اکنون در باشکوه‌ترین ایام عمر خویش هستی و مدت هم به پایان رسیده است. با این حال مهار خویش



را به دست مروان مده». این انتقاد، آگاهی امام علیه السلام از فساد درون حکومتی و خطرات ناشی از نزدیکیان عثمان برای نظام اسلامی را نشان می‌دهد.

ابن ابی‌الحدید در شرح خطبه شقشقیه به تعبیرات تلخ امام علیه السلام اشاره کرده و می‌گوید: «این تعبیرات از تلخ‌ترین تعبیرات است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۹۷). او به فساد و شکم‌پرستی عثمان اشاره کرده و بیان می‌دارد که خویشاوندان او مال خدا را به‌طور بی‌رحمانه‌ای مصرف کردند. ۲. دفاع مشروط از عثمان

- عدم حمایت عملی از عثمان: امام علی علیه السلام هرگز به عثمان کمک نکرد و تنها سعی در جلوگیری از ریخته شدن خون او کرد. ایشان در طول یازده سال حکومت عثمان به‌ندرت در مدینه حضور داشت و در مواقعی که به او گزارشاتی از خلافت‌های عثمان می‌رسید، به جهت اصلاح امت به او هشدارهایی می‌داد.

- انتقاد از رفتار مردم: امام علیه السلام به رفتارهای نادرست مردم در برابر عثمان نیز انتقاد کرده و بعضاً آنها را مصداق ظلم دانسته است؛ به عنوان مثال، «دشنام دادن» که طبق نقل طبری، مردم اتهامات زشتی را به عثمان نسبت داده و او را با دشنام، مورد حمله قرار می‌دادند (طبری، ۱۳۸۷، ۴/ ۱۵۰). یا «بستن آب» توسط شورشیان بر روی خانه عثمان، که این خود مصداق ظلم است (ابن قتیبۀ الدینوری، ۱۳۸۸ق: ۱۲۰) و «محاصره» عثمان، چنانکه شورشیان ۴۷ روز محل زندگی عثمان را محاصره کردند و این عمل موجب رعب و وحشت خانواده او شد (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۱۵۵). امام علی علیه السلام در خطبه ۳۰ نهج‌البلاغه به این موضوع اشاره کرده و می‌فرماید: «شما ناراحت شدید و واکنش بدی نشان دادید و از حد گذراندید». این جمله نشان‌دهنده تأکید امام علیه السلام بر ضرورت حفظ اصول اسلامی و عدم افراط در واکنش‌هاست.

- نهی از قصاص قبل از قضاوت: امام علی علیه السلام با وجود غیرقانونی دانستن خلافت عثمان، قتل وی را جایز نمی‌دانست و معتقد بود که باید مطابق قانون با او رفتار شود. دلیل این مطلب در کلام ۱۶۴ نهج‌البلاغه و خطاب به عثمان آمده است: «به خدا سوگندت می‌دهم، چنان مکن که پیشوای مقتول این امت گردی، زیرا گفته شده -از رسول الله صلی الله علیه و آله- که «در این امت پیشوایی کشته می‌شود و در کشتار تا روز قیامت به روی امت گشوده می‌گردد و کارها را بر آنان مشتبه می‌کند. پس بذر فتنه‌ها پراکنده می‌شود و مردم حق را از باطل نمی‌شناسند و در کشاکش آن فتنه‌ها با یکدیگر می‌ستیزند و آشوب می‌کنند و کارشان به هرج و مرج کشیده می‌شود».



۲-۳. تعارضات نهج البلاغه و تاریخ طبری در خصوص بیعت مردم با حضرت علی (ع)

با وجود برخی عبارات هماهنگ و مشابه تاریخ طبری با نهج البلاغه، تعارضات در نقل برخی جریانات هست که نیازمند تأمل و بررسی است و در ادامه بدانها پرداخته می‌شود:

الف) انتساب بحث نص و خلافت علی (ع) به عبدالله بن سبا از دیدگاه طبری

در تاریخ طبری و متون تاریخی پس از آن، عبدالله بن سبا به عنوان شخصیتی جنجالی و عامل فتنه در تاریخ اسلام معرفی شده است. او به‌ویژه به عنوان محرک اصلی شورش علیه عثمان بن عفان شناخته می‌شود که منجر به قتل وی و بروز جنگ‌ها و فتنه‌های متعدد گردید و نتیجه آن کشته شدن هزاران نفر از صحابه و تابعین بود (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۳۴۰).

عبدالله بن سبا، یهودی‌الاصل اهل صنعا، در زمان عثمان به اسلام گروید و به سفر در سرزمین‌های اسلامی پرداخت. او ابتدا به حجاز، سپس به بصره، کوفه و در نهایت به شام سفر کرد، اما در شام موفق نشد و از آنجا اخراج گردید. سپس به مصر رفت و با طرح سخنانی جنجالی سعی در جذب توجه مردم نمود. او ادعا می‌کرد که «عجیب است که عده‌ای می‌گویند عیسی بازمی‌گردد، اما نمی‌پذیرند محمد (ص) بازمی‌گردد» و همچنین بیان می‌کرد که «یک‌هزار پیامبر بوده و علی (ع) وصی محمد (ص) است».

نظرات درباره او متفاوت است؛ برخی مانند علامه عسگری او را شخصیتی جعلی می‌دانند (ر.ک: عسگری، بی‌تا)، در حالی که دیگران معتقدند او نقش مهمی در ترویج افکار یهودیت و ایجاد شکاف‌های عمیق در میان مسلمانان داشته است (زکی‌زاده زنانی، ۱۳۹۴: ۱۵۵-۱۹۴). برخی محققان معاصر نیز بر این باورند که او اساساً وجود خارجی نداشته و شخصیتش ساخته و پرداخته افرادی مانند سیف بن عمر است.

ب) اعتقاد به نص و جانشینی علی (ع) در نهج البلاغه

در خطبه ۶ نهج البلاغه، امام علی (ع) به بیان وضعیت خود از زمان وفات پیامبر (ص) تا آن روز پرداخته و می‌فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ مَدْفُوعاً عَنْ حَقِّي مُسْتَأْثِراً عَلَى مَنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَهُ (ص) حَتَّى يَوْمِ النَّاسِ هَذَا؛ به خدا سوگند، از زمانی که خدا پیامبرش را برگرفت، تا امروز که بر مردم دمیده است، همواره از حق خود دور و دفع شده‌ام و دیگران بر من ترجیح داده شده‌اند». این کلام در فاصله ربیع الثانی سال ۳۶ تا جمادی الثانی همان سال ایراد شده است، زمانی که به حضرت (ع) پیشنهاد شد طلحه و زبیر را تعقیب نکند. این سخن به‌عنوان بیانی صریح در اثبات نصب الهی امام علی (ع) شناخته می‌شود. شیخ طوسی در تفسیر این عبارت می‌نویسد که آن نشان‌دهنده احساس



مظلومیت امام (ع) و غضب حق اوست. ابن ابی الحدید نیز این کلام را به عنوان اخبار متواتر درباره حق ایشان در نهج البلاغه می داند.

از جمله دیگر بیانات امام (ع) در این زمینه می توان به شکایت از قریش اشاره کرد: «اللهم أخز قریشا فإنها منعتنی حقی و غصبتنی أُمّی» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۳۰۶/۹) و «فجری قریشا عنی الجوازی، فإنهم ظلمونی حقی و اغتصبونی سلطان ابن أُمّی» (همان). سید رضی در تحلیل خطبه ۱۶۹ نهج البلاغه می گوید که این سخن در سال ۳۶ هـ ق و در زمان حرکت اصحاب به بصره ایراد شده است. امام (ع) در اینجا به حسادت قریش نسبت به حکومت اشاره کرده و می فرماید: «إنما طلبوا هذه الدنيا حسداً لمن أفاءها الله علیهم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹).

مفاهیم خطبه ۱۷۲ نیز با عبارات «اللهم إني أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ» بر غضب حق امام (ع) تأکید می کند. امام (ع) در این خطبه اشاره می کند: قریش تنها به غضب حق امام بسنده نکرده، بلکه ادعا کرده که این حق از آن آنهاست.

علامه جعفری چند احتمال را در این خصوص مطرح می کند: ادعای حق: آنان ادعا کردند که حق خلافت از آن آنهاست، اما این ادعا بی دلیل بود. اختیار در اخذ حق: آنان می گفتند که می توانند حق را بگیرند یا رها کنند، اما این ادعا نادرست است، زیرا حق خلافت برای امام علی (ع) یک تکلیف الهی است. چشم پوشی از حق: ممکن است منظور آنان این باشد که حق الزامی نیست، اما امام (ع) بارها تأکید داشته که خلافت برای او یک تکلیف الهی است. این عبارات نشان دهنده تلاش امام علی (ع) برای احقاق حق خود و برقراری عدالت در جامعه اسلامی است و غضب حقش را به عنوان یک ظلم بزرگ تلقی نموده است.

ج) اقبال زیاد و هجوم مردم برای بیعت با امام علی (ع)

امام (ع) هجوم مردم برای بیعت را با تشبیه به شتران تشنه ای که به سمت حوض های آب می شتابند، توصیف نموده و می فرماید: «ثُمَّ تَدَاكَكْتُمْ عَلَى نَدَاكَ الْإِبِلِ إِلَيْهِمْ عَلَى حَيَاضِهَا يَوْمَ وَرْدِهَا...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۹). این تشبیه نمایانگر شدت شوق مردم برای بیعت است.

امام (ع) همچنین جمعیت انبوهی را که مانند گله گوسفند در اطراف ایشان گرد آمده اند، توصیف کرده و می فرماید: «مُجْتَمِعِينَ حَوْلِي كَرِيضَةِ الْغَنَمِ» (نهج البلاغه، خطبه ۳) و نگرانی خود را از این هجوم ابراز کرده و می فرماید: «حَتَّى لَقَدْ وَطِئَ الْحَسَنَانِ وَ شَقَّ عِطْفَايَ» (همان). ایشان



تأکید می‌کند که حضور مردم، حجت را بر او تمام کرده است: «لَوْ لَّا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ» (همان).

به این ترتیب اجماع مردم بر خلافت امام علی (ع) ایشان را به پذیرش بیعت واداشت (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۳۷/۷) و این حمایت گسترده، تکلیف الهی امام (ع) را اثبات کرد. منابع تاریخی نیز به حضور پرشور مردم و اصرار آنها بر بیعت با امام علی (ع) اشاره دارند (دینوری، ۱۳۶۴: ۱/۶۵-۶۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۹ق: ۲/۱۷۸-۱۷۹؛ ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۲/۴۳۴).

عموم مردم در آن زمان کسی جز امام علی (ع) را شایسته خلافت نمی‌دانستند و با طوع و رغبت خواستار خلافت ایشان بودند (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۲/۴۳۵). عبارت «رضینا به طائعين غیر کارهین» نشان‌دهنده این است که مردم به امام (ع) می‌گفتند: «ما هیچ کس را شایسته‌تر از تو نمی‌دانیم» (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۲۷؛ ابن خلدون، بی‌تا: ۲/۶۰۲).

این عبارات به‌روشنی شدت حمایت و خواست مردم از امام علی (ع) و تأثیر آن بر تصمیمات ایشان در پذیرش خلافت را نمایان می‌سازند.

۱. رویکرد طبری به حضور مردم در بیعت با امام (ع)

تحلیل بیعت مردم با امام علی (ع) بر اساس دیدگاه طبری نشان‌دهنده پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی این رویداد است. این رویداد نه تنها یک تغییر در رهبری اسلامی بود، بلکه نمایانگر چالش‌ها و مسئولیت‌های سنگینی بود که بر دوش امام علی (ع) قرار داشت.

- در جستجوی خلیفه‌ای شایسته: پس از کشته شدن عثمان، غافقی بن حرب عکی به مدت پنج روز امیر بود، اما هیچ‌کس برای پذیرش خلافت پیدا نمی‌شد. این وضعیت نشان‌دهنده بحران رهبری در جامعه اسلامی و نیاز مبرم به یک رهبر جدید بود. مردم به شدت در جستجوی کسی بودند که بتواند تقاضای آنان را برای قبول خلافت بپذیرد. این جستجو در نهایت به سمت علی (ع) سوق یافت، اگرچه ایشان در ابتدا تمایلی به پذیرش این مسئولیت نداشت (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۳۵۳).

- تهدید مصریان: یکی از عوامل مهم در اقبال مردم به علی (ع)، تهدیدهایی بود که از سوی مصریان مطرح می‌شد. آنها اعلام کرده بودند که اگر بیعت در مدت دو روز انجام نشود، علی (ع)، طلحه و زبیر و بسیاری دیگر را خواهند کشت (همان، ۳۵۰). این تهدیدات به نوعی مردم را به سمت بیعت سوق داد و احساس اضطراب و ناامنی را در جامعه افزایش داد.



- نارضایتی کوفیان و بصریان: نارضایتی کوفیان و بصریان از اجبار مصریان برای اقدام به بیعت نیز یکی دیگر از ابعاد مهم این رویداد بود. مردم از فشارهایی که برای بیعت بر آنها وارد می‌شد، ناراضی بودند و این نارضایتی به‌طور قابل توجهی بر تصمیمات و رفتارهای عمومی تأثیر داشت. به همین دلیل، مردم به طلحه و زبیر روی آوردند تا از آنها برای بیعت با علی (ع) یاری بخواهند.

- غیبت طلحه و زبیر: در این شرایط، طلحه و زبیر به مدت پنج روز از بیعت خودداری کردند. زبیر در خارج شهر و طلحه در باغ خود بود و تنها پس از تهدید به کشتار، به این امر ورود کردند. این غیبت نشان‌دهنده تردید آنها در پذیرش مسئولیت و همچنین عدم تمایل به ورود به بحران سیاسی بود. پس از این تهدید، آن دو به عنوان واسطه‌هایی برای بیعت با علی (ع) عمل کردند (همان، ۴/ ۴۷۴ و ۴۷۵).

- اکراه علی (ع) برای پذیرش خلافت: پس از رویگردانی امام علی (ع) از قبول خلافت، با وجود اصرار مردم، ایشان در مسجد پیشنهاد بیعت را مطرح کرد (همان، ۴/ ۴۲۷). این پیشنهاد نشان‌دهنده تمایل ایشان به پذیرش مسئولیت و رهبری در شرایط بحرانی بود. علاوه بر این، علی (ع) به طلحه گفت: «دست دراز کن تا با تو بیعت کنم»، اما طلحه از این کار امتناع کرد و گفت: «تو برای این کار سزاوارتر از من هستی» (همان، ۴/ ۴۲۸). این گفتگو نشان‌دهنده ترس علی (ع) از آینده و نارضایتی‌های احتمالی از سوی طلحه بود.

- بیعت مالک بن اشتر: مالک بن اشتر به عنوان نخستین فردی که با امام علی (ع) بیعت کرد، نقش کلیدی در این جریان داشت. او با قاطعیت به علی (ع) گفت: به خدا اگر خلافت را در دست نگیری، مدت‌ها بدان دست نخواهی یافت. این اقدام مالک، به عنوان یک حرکت شجاعانه و تعیین‌کننده، باعث شد که دیگر مردم نیز به دنبال او بیعت کنند.

- فشار بر طلحه و زبیر: مالک اشتر به طلحه مراجعه کرد و او را برای بیعت با علی (ع) به بالای منبر کشاند. این فشار اجتماعی به وضوح نشان می‌دهد که بیعت‌ها تحت تأثیر شرایط اضطراری و تهدیدات بود. همچنین حکیم بن جبلة نیز با زبیر همین کار را کرد و زبیر بعدها بیان داشت که «یکی از دزدان عبدالقیس مرا بیاورد و بیعت کردم، در حالی که شمشیر بر گردنم بود» (همان، ۴/ ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵). این عبارت نشان‌دهنده فشار و اضطراری بود که بر روی شخصیت‌های سیاسی آن زمان وجود داشت.

۲. تحلیل تعارضات تاریخ طبری و نهج البلاغه پیرامون هجوم مردم برای بیعت با امام (ع)
فضای پدید آمده در این منبع و منابع دیگر، با نهج البلاغه و دیگر اسناد تاریخی ناسازگاری‌هایی دارد که در ذیل به مواردی از آنها اشاره می‌شود:



- در این گزارش‌ها هیچ اشاره‌ای به حضور پر ازدحام و فراگیر مردم که حضرت (ع) درباره آن می‌فرماید: «فَأَقْبَلْتُمْ إِلَيَّ إِقْبَالَ الْعُودِ الْمُطَافِيلِ عَلَى أَوْلَادِهَا تَقُولُونَ الْبَيْعَةَ الْبَيْعَةَ قَبَضْتُ كَفِّي فَبَسَطْتُموها وَ نَازَعْتُمْ يَدِي فَجَاذَبْتُمُوهَا» دیده نمی‌شود؛ بلکه یک بار می‌گویند: تهدید مصریان مردم را مجبور به این کار کرد؛ بار دیگر بیان می‌کنند: به هرکس پیشنهاد دادند، نپذیرفت تا اینکه حضرت (ع) فردای آن روز به مسجد آمد و رو به مردم از ایشان پرسید که آیا در پیشنهاد دیروز خود استوار هستید؟ همانطور که مطرح می‌شود مالک به حضرت (ع) می‌گوید: باید فرصت را غنیمت شمرد و از این بیعت استقبال نمود و الاً دیگر بار حضرت (ع) به خلافت دست نخواهد یافت.

- حضرت (ع) یک بار درباره بیعت مردم می‌فرماید: «لَمْ تَكُنْ بَيْعَتُكُمْ إِنِّي أَيْ فُلْتَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶) و بار دیگر درباره بیعت طلحه و زبیر اظهار می‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَطَعَانِي وَ ظَلَمَانِي وَ نَكْتَا بَيْعَتِي وَ أَلْبَا النَّاسَ عَلَيَّ» (همان، خطبه ۱۳۷)، در حالی که سراسر نقل این جریان بر محور تهدید مصریان، اقدام عجولانه اهل مدینه، کوفه و بصره می‌چرخد و طلحه و زبیر به تهدید شمشیر، اقدام به بیعت کردند.

- ابن ابی‌الحدید پس از بررسی آرائ مختلف درباره بیعت مردم با حضرت (ع) می‌نویسد: «بیعت با امیرالمؤمنین (ع) با رضایت همه مردم مدینه صورت گرفت و نخستین کسان که از ایشان بیعت کردند، طلحه و زبیر بودند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۴/۸). سپس در جای دیگر و از باب نتیجه متذکر می‌شود: «آنچه که بیشتر مردم و جمهور سیره‌نویسان به آن معتقدند این است که طلحه و زبیر از روی اختیار و نه اجبار با علی (ع) بیعت کردند، ولی بعداً تصمیم آن دو دگرگون و نیت ایشان تباه شد و نسبت به علی (ع) غدر و مکر ورزیدند» (همان: ۴/۷).

د) نقش مصریان در شورش‌ها و شکل‌گیری بیعت مردم با حضرت (ع)

- دیدگاه طبری درباره نقش مصریان در شورش با تحریک عبدالله بن سبأ
نقش مصریان در شورش‌ها علیه عثمان بن عفان به‌عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد تنش‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی از دیدگاه طبری اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق تاریخ طبری: «مردم مصر با چهار پرچم و ششصد نفر به سوی عثمان آمدند» (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۳۴۰). این جمله نشان‌دهنده سازماندهی و عزم جدی این گروه برای تغییر وضعیت است. نارضایتی عمومی، سازماندهی معترضان و عدم پاسخگویی عثمان به خواسته‌ها، همه به‌طور مستقیم به نقش فعال مصریان مرتبط می‌شد. رهبری شورش‌ها به عمرو ابن حزم انصاری و دیگر شخصیت‌های برجسته



مصری واگذار شده بود که مردم را به سمت شورش هدایت می‌کردند. طبری تأکید می‌کند که عامل قیام علیه خلیفه سوم، مردم مصر بودند.

عبدالله بن سبأ نیز پس از عرضه دیدگاه رجعت به مردم مصر، عثمان را غاصب حق علی علیه السلام معرفی کرده و به تحریک مردم علیه او پرداخت. او به آنها توصیه می‌کرد که «نخست از بدگویی امیران خویش آغاز کنند» و به کار امر به معروف و نهی از منکر تظاهر کنند تا مردم به آنها متمایل شوند. عبدالله بن سبأ با ارسال نامه به ولایات، به شایعه‌پراکنی و تحریک مردم ادامه داد. این نارضایتی‌ها و تحریکات به تدریج به مدینه رسید و به شورش علیه عثمان منجر شد (همان، ۱۴ / ۳۴۰-۳۴۲).

- نارضایتی عمومی

نارضایتی مردم از سیاست‌های عثمان یکی از عوامل اصلی در بروز شورش‌ها بود. تاریخ طبری به این موضوع اشاره می‌کند که مردم مصر به دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی، نامه‌ای به عثمان نوشتند. طبری می‌نویسد: «مردم مصر از سقبا یا ذی خشب نامه‌ای به عثمان نوشتند و یکی از آنها نامه را پیش وی آورد، اما جواب نداد و گفت تا او را از خانه بیرون کردند» (همان، ۱۴ / ۳۶۹). این بی‌توجهی نشان‌دهنده عدم توانایی عثمان در مدیریت نارضایتی‌ها بود.

- محاصره و قتل عثمان

محاصره عثمان یکی از مراحل بحرانی در تاریخ اسلام بود. پس از تجمع مردم از مصر و دیگر مناطق، شورشیان تصمیم به محاصره خانه عثمان گرفتند. تاریخ طبری می‌نویسد: «مردم بر عثمان محاصره کردند تا او را از خانه‌اش بیرون کنند.» عدم پاسخگویی عثمان به خواسته‌های عمومی و ادامه سیاست‌های او، در نهایت به قتلش منجر شد.

طبری روایت می‌کند: «مردم به شورش پرداختند و در نهایت عثمان را به قتل رساندند.» این قتل نتیجه مستقیم فشارهای مداوم و محاصره‌ای بود که شورشیان بر عثمان اعمال کردند. بی‌توجهی او به خواسته‌های عمومی و عدم توانایی در برقراری ارتباط مؤثر با مردم، او را در موقعیتی قرار داد.

محاصره نه تنها به عنوان عمل اعتراضی، بلکه به عنوان ابزاری برای فشار به عثمان برای پاسخگویی عمل کرد و نشان‌دهنده همبستگی و عزم شورشیان برای پایان دادن به سلطنت او بود. در نهایت، این تحولات به بیعت با علی علیه السلام منجر شد و روند سیاسی جدیدی را در تاریخ اسلام رقم زد.



– نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر (والی مصر)

حضرت علی (ع) هنگام انتصاب مالک اشتر به عنوان والی مصر، نامه‌ای نوشت که به وضوح نشان‌دهنده وضعیت اجتماعی و سیاسی مصر در زمان حاکمیت عثمان است. در این نامه، حضرت (ع) به مردم مصر اشاره می‌کند که در برابر ظلم و فساد ایستادگی کردند: «از بنده خدا علی، امیرالمؤمنین، به مردمی که برای خدا خشمگین شدند، هنگامی که دیگران در زمینش نافرمانی کردند و حقش را از میان بردند» (نهج/البلاغه، نامه ۵۳). شارحان، این نامه را به زمان عبدالله بن ابی سرح، که به فرمانداری مصر منصوب شده بود، مرتبط می‌دانند. او با جمعی از ظالمان و اوپاش به ظلم و ستم بر مردم پرداخت و نسبت به قوانین اسلامی بی‌اعتنا بود، این وضعیت باعث شد که مردم مصر به خشم آیند و به مدینه بروند تا اعتراض خود را به عثمان اعلام کنند. واژه «سرادق» در نامه، استعاره از ظلمی است که نیکوکار و تبهکار را در بر می‌گیرد و نشان‌دهنده فراگیری ظلم در میان تمام اقشار جامعه است (ابن میثم یحزانی، ۱۳۶۲: ۱/۳۷۶). ابن ابی الحدید بر این باور است که نافرمانی از سوی امیران و خویشاوندان عثمان بوده و نه خود او (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۷/۶۰).

– تحلیل ادعای رضایت امام علی (ع) به قتل عثمان

برخی ممکن است تصور کنند که امام علی (ع) از اعتراض مردم مصر به عثمان حمایت کرد و این نشان‌دهنده رضایت ایشان از قتل عثمان است. اما واقعیت این است که هدف این افراد صرفاً اعتراض به عثمان و نه کشتن او بود. امام (ع) به دلیل اعتراض به ظلم و فساد از آنان ستایش می‌کند، نه به خاطر قتل عثمان (همان، ۲/۶۵). مردم مصر به مدینه آمدند تا به سیاست‌های عثمان و انتصابات نادرست اعتراض کنند. هدف آنها نهی از منکر و اصلاح امور بود. ستایش امام (ع) از معترضان به‌عنوان تجلیل از اعتراضات به‌جا و درست آنان تلقی می‌شود و هیچ نشانه‌ای از مدح قاتلان عثمان در سخنان ایشان وجود ندارد. معترضان ابتدا خواستار عزل مروان و دیگر افراد ظالم خاندان بنی‌امیه بودند. قاتلان عثمان گروه کوچکی بودند. پس از محاصره منزل عثمان، دشمنانش به او حمله کردند و او را به قتل رساندند. در نتیجه می‌توان گفت که هدف معترضان، نهی از منکر بوده و قصد کشتن عثمان را نداشتند.



نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی بیعت مردم با امام علی (ع) در تاریخ طبری و نهج البلاغه نشان می‌دهد که با وجود شباهت‌های متنی، تفاوت‌های اساسی در روایت این واقعه تاریخی وجود دارد. نقش ناقلان حادثه در ثبت و روایت این وقایع بسیار مهم است. تاریخ‌نگاران و راویان مختلف، با دیدگاه‌ها و انگیزه‌های متفاوت، اطلاعات را منتقل کرده‌اند. تاریخ طبری به نقل از شاهدان عینی مانند محمد بن حنفیه و ابو بشر عابدی، بر حمایت عمومی و شرایط بحرانی تأکید دارد. در مقابل، برخی نقل‌ها به دلیل تعلق به وجود شخصیت‌هایی با انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی خاص، همچون زهری و شعبی ممکن است موجب شود که برخی دیگر از نقل‌ها به‌ویژه در تاریخ طبری، تحت تأثیر دیدگاه‌های آنها قرار گیرد.

در هر دو منبع نصیحت‌های امام علی (ع) به عثمان و هشدارهای ایشان درباره خطرات موجود، به عنوان عاملی در مشروعیت بیعت با علی (ع) مطرح می‌شود. همچنین، هر دو متن به دفاع‌های امام علی (ع) از عثمان در دوران خلافت وی اشاره دارند که نشان‌دهنده احساس مسئولیت امام (ع) در قبال جامعه اسلامی است.

با این حال، تاریخ طبری به‌طور جامع به نقش عبدالله بن سبا به‌عنوان عاملی برای ایجاد فتنه و شکل‌گیری نگرش‌های خاص شیعی می‌پردازد، در حالی که در نهج البلاغه دیدگاه‌های مطرح شده به عنوان یک اصل اعتقادی شیعه و از زبان امام اول شیعیان مطرح می‌شود.

همچنین، تاریخ طبری بر مشارکت فعال مردم مصر در شورش‌ها و بیعت با امام علی (ع) تأکید دارد، در حالی که نهج البلاغه به این موضوع از منظر دیگری، با تمرکز بر ابعاد اخلاقی و معنوی، نگریسته است.

با وجود تصریح بر اجماع عمومی و خواست مردم برای بیعت در هر دو منبع، طبری به هجوم مردم به سمت حضرت علی (ع) وقعی نمی‌نهد و این جریان توسط حضرت (ع) به اشکال گوناگون و با عباراتی همچون «شتران تشنه در اطراف حوض‌های آب» و «جمع شدن گله گوسفندان» در اطراف ایشان تعبیر می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، قاهره: دار الإحياء الكتب العربية، ۱۳۸۵.
۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵.
۴. ابن اعثم کوفی، الفتوح، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۵. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرة الخواص، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۶.
۶. ابن حزم، علی بن احمد، أسماء الصحابة و ما لكل واحد منهم من العدد، قاهره: مكتبة القرآن، بی تا.
۷. ابن خلدون، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، بی تا.
۸. ابن سعد الزهری، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى عطا، تحقیق محمد عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۹. ابن عساکر، ترجمه الامام علی بن ابی طالب من تاریخ مدینه دمشق، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه المحمودی، ۱۴۰۰ق.
۱۰. ابن طباطبای، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۱. ابن قتیبہ الدینوری، الامامه و السیاسة، تحقیق طه محمد الزینی، بیروت: دارالمعروف، ۱۳۸۸ق.
۱۲. ابن عبدربه، العقد الفريد، قاهره: بی تا، ۱۹۵۳م.
۱۳. ابن کثیر دمشقی، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۴. ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغة، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲.
۱۵. بغدادی، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر، ۱۴۰۶ق.
۱۶. تستری، محمدتقی، تواریخ اعلام الهدایة، النبی وآله، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۳۶۱.
۱۷. تمیمی سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، الانساب، تحقیق عبدالرحمن المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانی، بی تا.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، نجف: مؤسسة الخوئی الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۱۹. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۴.
۲۰. زکی زاده رنانی، علیرضا، «جستاری درباره عبدالله بن سبا»، تاریخ اسلام، ش ۶۳، ۱۳۹۴.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: روائع التراث، ۱۳۸۷.



۲۳. عسگری، مرتضی، فهری زنجانی، احمد، عبدالله بن سبا، مجمع علمی اسلامی، بی‌تا.
۲۴. کریمی، علی، «چگونگی بیعت با امام علی (ع)»، فصلنامه تاریخ اسلام، تهران: س ۷، ش ۲۷، ۱۳۸۵.
۲۵. مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۲۶. مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۲۷. منقری، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ترجمه کریم زمانی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۴.
۲۸. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت، بی‌نا، ۱۳۷۹ ق.